



**The Representation of the Civilizational Discourse of the Mosque in the
Modern Era: An Analysis of the Cyberspace Discourse Surrounding Jam-e
Mosque of Shahrak-e Ghods, Tehran, in the Light of the Theory of Space
Production**

Sayyed Hadi Alavian*¹ | Nematollah Karamollahi²

1. PhD Candidate, Baqir al-Olum University, Qom, Iran. Email: fatabatabaee@uk.ac.ir

2. Associate Professor, Department of Social Sciences, Baqir al-Olum University, Qom, Iran.

Email: latifzadeh@um.ac.ir

Volume info

Vol. 5
Series: 18
Summer 2026

Article Type

Research Paper

Article History

Received:
27 September 2025
Revised:
20 November 2026
Accepted:
10 February 2026
Published:
22 June 2026

ISSN – E-ISSN

ISSN: 2980-8901
E-ISSN: 2821-1685



Abstract

Mosques within the urban fabric of Iran have experienced complex functional and semantic transformations during modernity. Tehran's Shahrak-e Ghods Jame' Mosque is one example of this evolution. This forward-looking research uses a case study approach to examine the dominant discourse among cyberspace users regarding its function and to explain the social roots of the resulting representation. For this purpose, a qualitative method and a thematic analysis strategy were employed. The research data consisted of 120 user comments, systematically sampled from 517 comments posted over an 8-year period (2016-2025) on the Google platform. Data analysis was performed based on Braun and Clarke's (2006) six-phase model, utilizing the integrated theoretical framework of Lefebvre's "Production of Space," "Secularization," and "Representation." The analysis led to the extraction of three overarching themes: "Core" functions (spiritual, critical, cultural), "Ancillary" functions (management, ceremonies, welfare), and "Detached" functions (ornamental, display-oriented, funeral services, spatial access, and urban infrastructure). Findings indicate that user representations predominantly portray the mosque as a "luxurious hall for funeral ceremonies of the affluent and famous," which stands in clear contrast to its devotional functions. This gap can be interpreted as indicative of a "spatial production" in which dominant spatial practices (luxurious funeral ceremonies) have overcome the officially represented space (multifunctional design), ultimately leading to the formation of a specific representational space (a symbol of secularization and class disparity). The results suggest that this mosque has become an arena for conflict over meaning and the appropriation of public space by the logic of capital and the display of social status.

Keywords: Shahrak-e Ghods Mosque, Thematic Analysis, Production of Space, Users, Function, Cyberspace

Cite this Paper: Alavian'H & Karamollahi'N.(2026). The Representation of the Civilizational Discourse of the Mosque in the Modern Era: An Analysis of the Cyberspace Discourse Surrounding Jam-e Mosque of Shahrak-e Ghods, Tehran, in the Light of the Theory of Space Production. *Journal of Interdisciplinary Civilizational Studies of the Islamic Revolution*. 5(18), 144-167. [10.47176/cir.2509.1319](https://doi.org/10.47176/cir.2509.1319)



Publisher:
Imam Hossein University.

©
The Author(s).



بازنمایی گفتمان تمدنی مسجد در عصر مدرن: تحلیل فضای مجازی پیرامون مسجد جامع شهرک قدس تهران در پرتو نظریه تولید فضا

سیده‌ادی علویان^{۱*} | نعمت‌الله کرم‌اللهی^۲

Email: fatabatabaee@uk.ac.ir

۱. دانشجوی مقطع دکتری، دانشگاه باقرالعلوم (علیه‌السلام)، قم، ایران

Email: latifzadeh@um.ac.ir

۲. دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه باقرالعلوم (علیه‌السلام)، قم، ایران

چکیده

مساجد بافت شهری ایران در دوران مدرنیته، تحولات کارکردی و معنایی پیچیده‌ای را تجربه کرده‌اند. مسجد جامع شهرک قدس تهران، از نمونه‌های این تحول است. پژوهش پیش رو با مطالعه موردی به بررسی گفتمان غالب کاربران فضای مجازی درباره کارکرد آن و تبیین ریشه‌های اجتماعی بازنمایی حادث می‌پردازد. برای این منظور از روش کیفی و راهبرد تحلیل گفتمان بهره گرفته شده است. داده‌های تحقیق، شامل ۱۲۰ نظر کاربران از میان ۵۱۷ نظر ثبت شده در بازه زمانی ۸ ساله (۱۴۰۴-۱۳۹۵) در پلتفرم گوگل بود که با نمونه‌گیری سیستماتیک انتخاب شدند. تحلیل داده‌ها بر اساس مدل شش مرحله‌ای براون و کلارک (۲۰۰۶) و با بهره‌گیری از چارچوب نظری تلفیقی «تولید فضا» ی لوفور، «سکولار شدن» و «بازنمایی» انجام پذیرفت. تحلیل داده‌ها منجر به استخراج سه مضمون فراگیر شد: کارکردهای «محوری» (معنوی، انتقادی و فرهنگی)، «وابسته» (مدیریت، مراسم و رفاهی) و «گسسته» (تجملی، نمایشی، مجلس ترحیم، دسترسی مکانی و زیرساخت شهری). یافته‌ها نشان می‌دهد بازنمایی کاربران، مسجد را عمدتاً به عنوان «سالنی مجلل برای مراسم ختم قشر مرفه و مشهور» تصویر می‌کند. که در تقابلی آشکار با کارکردهای عبادی مسجد قرار دارد. شکاف موجود را می‌توان نشان‌دهنده «تولید فضایی» تفسیر کرد که در آن، کنش‌های فضایی مسلط (مراسم ختم تجملاتی) بر فضای بازنمایی رسمی (طراحی چندکارکرده) غلبه یافته و در نهایت به شکل‌گیری یک فضای بازنمودی خاص (نماد سکولار شدن و شکاف طبقاتی) منجر شده است. نتایج حاکی از آن است که مسجد مذکور به عرصه‌ای برای کشمکش بر سر معنا و تصاحب فضای عمومی توسط منطق سرمایه و نمایش منزلت اجتماعی تبدیل شده است.

کلیدواژه‌ها: مسجد شهرک قدس، تحلیل مضمون، تولید فضا، کاربران، کارکرد، فضای مجازی.

سال و شماره

سال ۵، پیاپی: ۱۸

تابستان ۱۴۰۵

نوع مقاله

مقاله پژوهشی

سابقه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۰۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

شابا چاپی و الکترونیکی

شابا چاپی: ۲۹۸۰-۸۹۰۱

الکترونیکی: ۲۸۲۱-۱۶۸۵



استناد: علویان، سیده‌ادی؛ کرم‌اللهی، نعمت‌الله. (۱۴۰۵). بازنمایی گفتمان تمدنی مسجد در عصر مدرن: تحلیل فضای مجازی پیرامون مسجد جامع شهرک قدس تهران در پرتو نظریه تولید فضا؛ مطالعات میان‌رشته‌ای تمدنی انقلاب اسلامی؛ ۵(۱۸): ۱۶۷-۱۴۴.

[10.47176/cir.2509.1319](https://doi.org/10.47176/cir.2509.1319)

مقدمه

مساجد، به‌عنوان نهادهای اجتماعی- مذهبی، همواره کارکردهای چندگانه‌ای در بافت شهری ایران ایفا کرده‌اند؛ از عبادتگاه و کانون نشر معارف دینی گرفته تا پایگاه اجتماعی و محلی برای تصمیم‌گیری‌های جمعی (Tabatabai, 1973: 49). در حالی که در دوره معاصر، پویایی مدرنیته شهری و دگرگونی‌های اجتماعی- اقتصادی، این کارکردهای سنتی را با چالش‌ها و تحولات جدیدی مواجه ساخته است (Ghobadian, 2014). این چالش علی‌رغم بینش پیشینیان که بنا و فضا را ایستا و خنثی تلقی می‌کردند، در نزد متفکران معاصر پویا و تأثیرگذار بوده که وجهی از آن مشعب از ایده و طراحی است. رابطه میان طراحی و فرهنگ در طول سده‌های گذشته از پیچیدگی خاصی برخوردار بوده است (Moalosi et al., 2005: 2). طراحی هم‌زمان، هم موجب دگرگونی فرهنگ می‌شود و هم تحت تأثیر آن شکل می‌گیرد؛ هم حاوی حس هویت است و هم حس هویتی را القا می‌کند. در واقع، محیط مصنوع تابع هنجارها و ارزش‌های فرهنگی است و در نهایت، این فرهنگ است که به محصولات معنا می‌بخشد. ریموند لوری، مفهوم طراحی را به‌مثابه نظامی سازمانی برای شکل دادن به محصولات و هویت‌های به‌هم‌پیوسته می‌داند. این درک از زمانی باعث شد که دریافت تمامی کنش‌ها و تعاملات ما با جهان، «برساخته‌هایی» طراحی شده باشند (Erlhoff, 2008: 198). از منظر بلومنتال نیز طراحی محصول، به معنای طراحی تعامل اجتماعی میان کاربر با محیط و کاربر با محصول است؛ بنابراین توجه به عوامل فرهنگی و اجتماعی در این فرآیند ضروری به نظر می‌رسد (Bagheri Taleghani, 2015: 486). مضاف بر این که در الگوی تمدن اسلامی، مسجد مرکز تداوم حیات اجتماعی مؤمنان و تجلی «توحید در زندگی جمعی» است. بنابراین مطالعه‌ی تغییر کارکرد مسجد نه صرفاً یک مسئله معماری یا فرهنگی، بلکه نشانه‌ای از تحول در بنیان تمدنی جامعه شهری است.

درباره تاریخچه تحول این نگاه باید گفت؛ پیش از قرن نوزدهم، فضا به‌مثابه مفهومی انتزاعی با رویکرد دکارتی- نیوتونی فهم می‌شد که نسبت به تاریخ، زمینه و جامعه بی‌طرف و خنثی بود. اما از قرن بیستم، فضا وارد تحلیل‌های اجتماعی شد. مکتب شیکاگو فضا را به عرصه تحلیل شهری وارد کرد و در دوران پست‌مدرن، با نظریات اندیشمندانی همچون فوکو و لوفور بسط یافت. از این زمان، گونه‌ای تفکر انتقادی و پست‌مدرن درباره چگونگی ساختار یافتن فضا در چارچوب عملکرد

سرمایه‌داری شکل گرفت (Bani Masoud, 2009: 94). بر این مبنا آنتونی چمر و فعالیت‌های افراد و ویژگی‌های محیط را با یکدیگر مرتبط دانسته؛ بنابراین محیط از نظر قابلیت و کارکرد، هم فیزیکی است و هم اجتماعی (Heft, 2003). دیوید مرسر نیز سازمان‌دهی فضا بر ساختار اجتماعی را تعیین‌کننده هویت و روابط اجتماعی افراد می‌داند (Mercer, 1971). البته چیدمان فضا، از طراحی و اجرای کالبدی تا آرایش اشیاء، برای هر فضا و کاربری متفاوت است و تصاویر ذهنی ایده‌آل میان فضای کالبدی و اجتماعی مربوطه را بازمی‌تاباند (Rapoport, 2011)، لذا عناصر ثابت و استاندارد معماری و شهرسازی شامل سازمان فضایی، ابعاد، مکان، توالی و آرایش، ارتباطات معنایی خاصی را پدید می‌آورند (Rapoport, 2013). عناصر نیمه ثابت نیز شامل انواع چیدمان، مبلمان و عناصر شهری که به سهولت و سرعت تغییر می‌کند، در کنار عناصر غیرثابت که عموماً شامل افراد، فعالیت‌ها، رفتارها، کنش‌های اجتماعی و نظام‌های هنجاری است در معنا بخشی به مکان متعلق به خود نقش مهمی ایفا می‌کنند (Rapoport, 2011: 99). عناصر کالبدی محیط به آسانی و به‌طور مستقیم به‌مثابه شاخص‌هایی از شخصیت اجتماعی و راهنمای رفتاری قرائت می‌شوند (Royse, 1969)؛ بنابراین سازمان‌دهی محیط می‌تواند کنش‌های متقابل اجتماعی را تسهیل کند و محیط کالبدی به‌عنوان معیاری برای نمایش شخصیت و هویت افراد و گروه‌ها عمل کند (Rapoport, 2013: 119).

در میان متفکران هانری لوفور فضا را نه به منزله متن؛ بلکه بافت متراکم روابط تولید در جریان زندگی می‌داند (Lefebvre, 2002: 231)؛ که جوامع مطابق شیوه تولید خود، بسته به این که تولید چرا، چگونه و توسط چه کسی، انجام می‌شود، فضای مطابق خود را تولید می‌کنند (Lefebvre, 1991). وی تحلیل فضای اجتماعی سه بعد (فضای بازنمایی، کنش‌های فضایی و فضای بازنمودی) را به کار می‌برد و روش تحلیل را «ضربانگ کاوی» می‌نامد که در تکرار مدام توسط افراد (درساز)، «خود» ایجاد می‌شود؛ لذا در رابطه جامعه با فرد به تدریج شیوه‌های عادت او تغییر کرده و با تکرار و نظم زمان، با تشدید ضربانگ و روزمرگی تنبیه و تشویق، با وجود درساز از افراد سلب مالکیت، نفی احساس آزادی و تفریح می‌شود (Lefebvre, 2004). بیان لوفور ارتباطی است که او بین ذهنیت ساکنان و مولدان فضای شهری با فضای عینی و طبیعی بکار گرفته شده توسط شهروندان ایجاد می‌کند.

شهرک قدس تهران، به‌عنوان نمونه‌ای شاخص از برنامه‌ریزی شهری مدرن، از بدو تأسیس با هویتی متمایز و متکی بر استانداردهای زندگی غربی شکل گرفت. این شهرک در سال ۱۳۴۰ در شمال غرب تهران با طراحی و معماری مهندسان آمریکایی و با الهام از متد غربی (اروپایی و آمریکایی) تأسیس و به همین نام (شهرک غرب) شهرت یافت. نفوذ سیاسی-فرهنگی اتباع آمریکایی ساکن در آن، زیرساخت‌هایی چون مدرسه، ورزشگاه و امکانات تفریحی گسترده را با حمایت دولت پهلوی فراهم کرد. نظام حاکم این منطقه را با توجه به تراکم جمعیتی پایین و شرایط آب‌وهوایی مطلوب، به‌عنوان پهنه‌ای برای توسعه امکانات رفاهی اقشار حکومتی و مرفه برگزید. ساخت‌وساز ویلایی، شبکه معابر عریض، بلوارهایی با سامانه ترافیکی کارآمد و دسترسی سریع به چندین بزرگراه اصلی به تدریج این ناحیه را به یکی از گران‌قیمت‌ترین مناطق مسکونی ایران تبدیل کرد. تراکم پایین جمعیت خانه‌های ویلایی، فضایی آرام و دل‌انگیز در محیطی طبیعی ایجاد و خیابان‌های بن‌بست با کنترل هوشمند تردد، امنیت و آرامش ساکنان را تأمین کرده است. مجتمع‌های تجاری بزرگ و مشهور، برندها و مدهای روز دنیا را ترویج و بر سبک زندگی افراد تأثیر می‌گذارند. در میان داده‌های موجود (نمودار ۱) شاخصه‌های فرهنگی و رفاهی، دو مسجد ثبت شده است. یکی مسجدالنبی با معماری سنتی که کمتر در رسانه‌ها انعکاس یافته و دیگری مسجد جامع به دلیل معماری مدرن و متفاوت، از شهرت و کارکردی ویژه برخوردار است. این بنا علاوه بر بهره‌گیری از عناصر سنتی، شامل فضاهای مدرنی چون سالن اجتماعات، رستوران و بانک نیز هست که بیانگر رویکردی نوآورانه در طراحی فضاهای مذهبی است. این مقدمه نشان می‌دهد که شهرک غرب نه تنها به‌عنوان یک سکونتگاه لوکس، بلکه به‌عنوان یک پدیده شهری چندوجهی حاصل از تعامل معماری، برنامه‌ریزی و تحولات اجتماعی-فرهنگی دوره خاصی از تاریخ ایران قابل مطالعه است.

جدول-۱. نظام فضایی در تمدن اسلامی

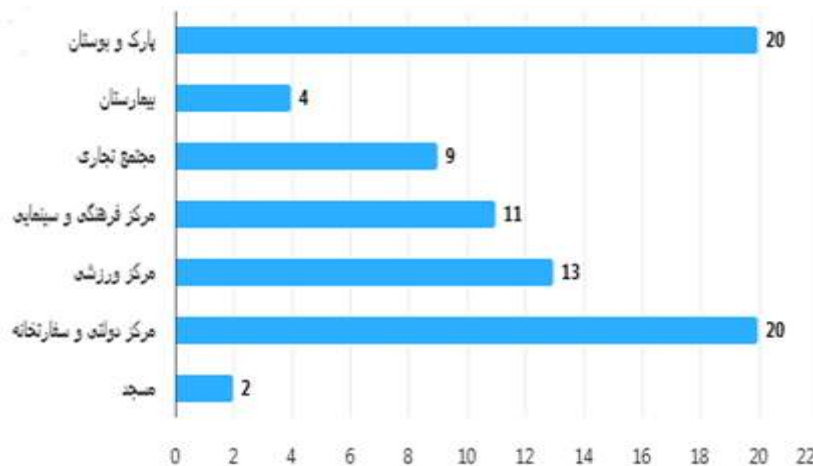
سطح تمدنی	ویژگی فضایی	نمونه در سنت اسلامی	وضعیت در مسجد شهرک قدس
معرفتی	وحدت معنا و عمل (توحید)	مسجدالنبی، مسجد جامع اصفهان	شکاف میان عبادت و نمایش

اجتماعی	پیوند طبقات و رفع تبعیض	صف واحد نماز	جدایی قشر مرفه از مردم
کالبدی	سادگی، توازن، پیوند با طبیعت	حیاط مرکزی و صحن باز	معماری مجلل و بسته
نمادین	فراخوان جمع‌گرایی و مشارکت	اذان، جماعت، شورا	مصرف خصوصی برای ختم

فضاهای موجود در این منطقه از جمله مسجد مورد نظر، شکاف معناداری در روند کارکردهای متعارف مساجد پدید آورده و تعاملات و ارتباطات ویژه‌ای رقم زده است (جدول ۱). هرچند وب‌سایت رسمی مسجد (masjedjame.com) کارکردهای چندوجهی و مختلف عبادی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و تبلیغی را برمی‌شمرد، اما مشاهدات اولیه جستجو در فضای مجازی و بازنمایی جمعی از این مسجد، حول محور برگزاری مراسم ختم تجملاتی و نگاه تک‌بعدی تمرکز دارد، به‌گونه‌ای که کاربران در نظرات خود، عباراتی چون «مسجد مردگان»، «سالن همایش» و «نماد ریاکاری و شکاف طبقاتی» را به کار می‌برند. این شکاف آشکار بین کارکردهای تعریف‌شده رسمی (بر محور عبادت) و بازنمایی عمومی غالب، مسئله اصلی این پژوهش است. وضعیت موجود، فراتر از اختلاف‌نظر ساده، می‌تواند نشانه‌ای از پدیده‌های عمیق‌تر اجتماعی از قبیل سکولار شدن کارکردی مکان مذهبی، تضاد در تولید فضای اجتماعی یا تبدیل نمادهای دینی به نمادهای تمایز طبقاتی باشد. عدم وجود پژوهشی که به‌طور خاص به تحلیل گفتمان فضای مجازی در این باره و تبیین ریشه‌های اجتماعی بازنمایی حاصل پردازد، خلأی در ادبیات موضوع است که پژوهش حاضر برای پاسخ به این سؤال؛ گفتمان غالب کاربران فضای مجازی درباره کارکرد مسجد جامع شهرک قدس چیست و این بازنمایی چه نسبتی با هویت اصلی یک مسجد دارد؟ شکل گرفته است.

لزوم پاسخگویی به این پرسش‌ها نه تنها به درک بهتر تحولات کارکرد مساجد در کلان‌شهرهای مدرن ایران کمک می‌کند، بلکه از طریق مطالعه این مورد خاص، می‌توان بینش‌های ارزشمندی درباره تأثیر متقابل فضای کالبدی، ساختارهای اجتماعی و گفتمان‌های عمومی در شکل‌دهی به معنای مکان‌های شهری ارائه نمود.

نمودار-۱. مقایسه کلی از امکانات موجود در شهرک قدس



۱- پیشینه پژوهش

اخیراً پژوهش‌های مختلفی در رابطه با مساجد نوگرای قبل و بعد انقلاب صورت گرفته و این پدیده را از زوایای مختلف بررسی کرده است. عباس‌زاده و زمانی (۱۳۹۹) با ارزیابی «حس فضای قدسی» در مساجد نمونه، به این نتیجه رسیدند که شدت این حس در مساجد معاصر (مانند مسجد الجواد) در مقایسه با مساجد سنتی (مانند مسجد امام) کاهش یافته است. در همین راستا، حمزه‌نژاد و عربی (۱۳۹۳) بر «اصالت اسلامی-ایرانی» در مساجد نوگرا تأکید کرده و هشدار داده‌اند که نوآوری‌های فرمی نباید به کمرنگ شدن خوانایی و هویت عبادی مساجد بینجامد. از منظر تاریخی نیز، نعیمی و همکاران (۱۴۰۱) با تحلیل سیر تطور مساجد نوگرا در دوره پهلوی دوم، تغییرات رویکرد طراحی را در چارچوب «منطقه‌گرایی انتقادی» تبیین نموده‌اند. همچنین، مطالعاتی مانند پژوهش مهدی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۹) با روش «نحو فضا» به تحلیل ارتباطات فضایی در مساجد سنتی و معاصر پرداخته و مسجد شهرک غرب را به‌عنوان یکی از نمونه‌های موردی خود معرفی کرده‌اند.

در بعد اجتماعی و هویتی علی‌الحسابی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «تأثیر جهان‌بینی اسلامی در جایگاه مسجد به‌عنوان فضای شهری»، به واکاوی نقش مسجد به‌مثابه رکنی اساسی در

اقتصاد، فرهنگ و امنیت شهر اسلامی پرداخته‌اند. یافته‌های ایشان مؤید آن است که مساجد، فراتر از عرصه‌ی عبادی، به عناصری مرکزی با کارکردهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و کالبدی تبدیل شده‌اند. بر این اساس، تثبیت محوریت مسجد در برنامه‌ریزی و طراحی شهری امری ضروری تلقی می‌شود. موسوی مقدم و محمدی (۱۳۹۵) در مقاله «بررسی نقش مسجد در افزایش سرمایه اجتماعی»، به این پرسش پرداخته‌اند که مسجد چگونه می‌تواند به تولید و افزایش سرمایه اجتماعی بینجامد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد مسجد از طریق تأثیرگذاری بر هنجارهای مشترک، اعتماد و مشارکت، سرمایه اجتماعی را تولید و توزیع می‌کند. حاتمی و فلاحی (۱۴۰۴) در پژوهش «بررسی تأثیر مسجد بر کاهش آسیب‌های اجتماعی در تهران»، با استفاده از تحلیل ثانویه داده‌های پیمایشی و تحلیل فضایی، به بررسی رابطه بین شاخص‌های مرتبط با مساجد (تعداد، میزان مشارکت، رضایت و سرمایه اجتماعی) با نگرش شهروندان به آسیب‌های اجتماعی پرداخته‌اند. رحیمی سجاسی (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای با عنوان «آسیب‌های اجتماعی بر آیند شکاف مسجد و جامعه»، با رویکرد پدیدارشناختی و روش اسنادی، به این مسئله پرداخته، یافته‌ها حاکی از آن است که علی‌رغم نقش تاریخی مساجد، پاسخ‌های تخصصی با مدل ایرانی-اسلامی و تقویت امکانات برای مواجهه با آسیب‌های جدید ضروری است. چارلز کورثا (۱۴۰۱) در کتاب «معماری و هویت»، به بررسی رابطه‌ی دوسویه بین «کالبد معماری» و «هویت‌های اجتماعی» می‌پردازد. استدلال محوری وی بر این اصل استوار است که معماری بازتابی از جهان‌بینی، قدرت و مناسبات اجتماعی است و معماری فاقد پیوند با زمینه فرهنگی-اجتماعی، به ایجاد «مکان‌های بی‌هویت» و تشدید شکاف‌های اجتماعی می‌انجامد.

مطالعات پیشین در نگاه کلی به دو دسته تقسیم می‌شود: ۱. مطالعات با رویکرد کالبدی-هویت؛ ۲. مطالعات با رویکرد اجتماعی-کارکردی؛ بنابراین پژوهش‌ها یا بر خود بنا (فرم، تاریخچه، اصالت) یا کارکردهای عینی و از پیش تعریف‌شده آن (مانند افزایش سرمایه اجتماعی) متمرکزند، اما مقاله پیش رو با نگاه میان‌رشته‌ای، تمرکز را به سمت تجربه زیسته کاربران در فضای مجازی معطوف ساخته تا با منابع غنی و بی‌واسطه از ادراکات عمومی، معانی منتسب آن‌ها درباره مسجد را کشف کند. این رویکرد مسجد را نه صرفاً به‌عنوان یک اثر معماری، بلکه به‌عنوان یک پدیده اجتماعی-فرهنگی منحصربه‌فرد در نظر گرفته که در بستر خاص مدرن و با هویت ساکنین خود شکل گرفته

است که در نهایت پلی می‌زند بین مطالعات کالبدی-معماری و مطالعات اجتماعی-کارکردی تا نشان دهد چگونه این تعامل در فضای دیجیتال بازنمایی می‌شود.

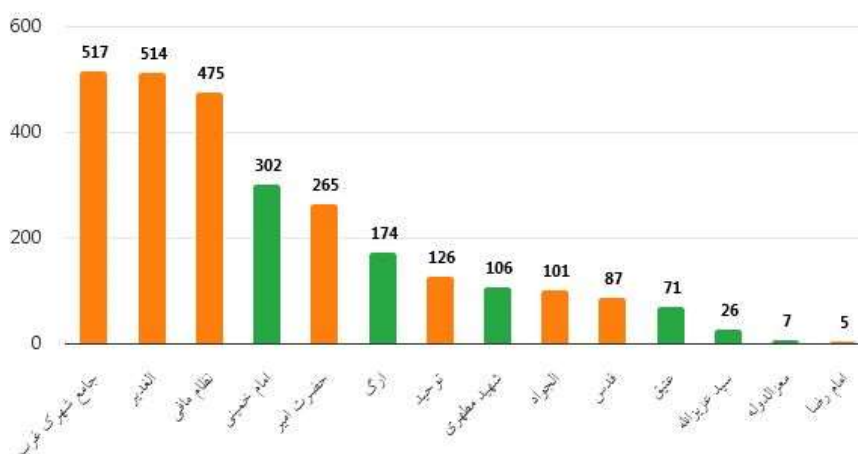
۲- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، هدف کاربردی و ماهیت و روش کیفی دارد که با استفاده از راهبرد «تحلیل مضمون» به تحلیل داده‌های متنی بازنمایی شده در فضای مجازی می‌پردازد. این راهبرد به دلیل انعطاف‌پذیری نظری و قابلیت آن در سازمان‌دهی و استخراج الگوهای معنادار از داده‌های کاربران، انتخاب شده است. این روش برای شناخت، انسجام‌بخشی و تحلیل داده‌های متنی پراکنده روشی کارآمد و مؤثر (Sheikhzadeh & et al., 2011: 153) و هر تم دربردارنده نکات مهمی درباره داده‌های مرتبط با پرسش است که سطحی از پاسخ یا معنی درون داده‌ها را تعیین می‌کند (Braun & Clarke, 2006). شبکه مضامین، در سلسله مراتبی روشن، مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر را شکل داده و اصول حاکم بر متن را به صورت یک کل نظام‌مند مرتب می‌کند. (Braun & Clarke, 2006) درمجموع، روش تحلیل مضمون بدون مداخله محقق در جهت‌دهی مضامین، به دسته‌بندی مفاهیم کمک می‌کند (Sediq Sarvestani, 1996: 91). به بیان دیگر این روش در عین انعطاف‌پذیری به پژوهشگر اجازه نمی‌دهد که به زبان به کار رفته در متن ادعایی داشته باشد (Derakhsheh & et al., 2015: 54).

جامعه آماری پژوهش، شامل کلیه نظرات کاربران فضای مجازی منتشرشده در پلتفرم جستجوی گوگل در بازه زمانی فروردین ۱۳۹۵ تا فروردین ۱۴۰۴ (به مدت ۸ سال) با کلیدواژه‌های «مسجد جامع شهرک غرب» و «مسجد جامع شهرک قدس» بود. علت انتخاب این مسجد علاوه بر موقعیت جغرافیایی و کالبد خاص، توجه ویژه کاربران در فضای مجازی به این مکان است که پیام‌های قابل توجه و معناداری را حول این مسجد ثبت کرده‌اند (نمودار ۲). این مسجد به دلیل قرارگیری در بستر شهرک غرب که نماد مدرنیته، ثروت و سبک زندگی خاص شهری است، به یک فضایی طبیعی برای بررسی تقابل سنت و مدرنیته، دین و سبک زندگی طبقه مرفه و تغییر کارکرد مکان‌های مذهبی تبدیل شده است. شدت و وضوح پدیده‌های اجتماعی در این بستر، گزینه مناسبی برای ردیابی و تحلیل فراهم کرده است؛ بنابراین دلایل اصلی توجه نویسندگان به مسجد مذکور را می‌توان چنین

برشمرده: ۱. برجسته بودن تضاد: این مسجد صحنه بروز تقابل بین «هویت ذاتی یک مسجد» (برابری، معنویت، سادگی) و «هویت القاشده توسط بافت شهری» (تجمل، نمایش منزلت، انحصارطلبی) است؛ ۲. غنا و تنوع داده: همان‌طور که نمودار ۲ پژوهش نشان می‌دهد، این مسجد یکی از پر بحث‌ترین مساجد تهران در فضای مجازی است. این حجم از داده که حاوی نظرات مثبت و منفی شدید است، امکان استخراج مضامین غنی و معنادار را فراهم می‌کند؛ و ۳. قابلیت تعمیم‌پذیری: اگر فرآیند «سکولار شدن کارکردی» و «شکاف طبقاتی» در چنین مسجد نمادینی رخ داده باشد، می‌توان آن را به‌عنوان الگویی برای درک تحولات همسو در دیگر مساجد واقع در بافت‌های مشابه در نظر گرفت.

نمودار ۲- ترتیب مساجد تهران بر اساس میزان نظر کاربران صفحه اول گوگل ذیل نام مسجد مورد نظر (نشانگر میله‌های قرمز مساجد نوگرا و میله‌های سبز مساجد سنتی هستند)



اجرای این پژوهش کیفی بر اساس مدل شش مرحله‌ای «ویرجینیا براون» و «ویکتوریا کلارک» (Braun & Clarke, 2006) انجام شده است. در مرحله اول برای آشنایی با داده‌ها کلیه ۵۱۷ نظر کاربران در پلتفرم گوگل با کلیدواژه‌های مسجد مورد نظر جمع‌آوری و چندین بار به دقت خوانده شد تا پژوهشگر با عمق و گستره مطالب آشنا شود. در مرحله بعد به منظور کاهش سوگیری و افزایش دقت تحلیل، از بین جامعه آماری، ۱۲۰ نظر به روش سیستماتیک ($k=4$) انتخاب شد. سپس هر یک از این ۱۲۰ نظر، به دقت بررسی و عبارات کلیدی و ایده‌های مهم آن استخراج، کدگذاری و تمامی

کدها (بدون حذف) ثبت گردید. در مرحله سوم کدهای اولیه بر اساس اشتراک معنایی دسته‌بندی شدند تا مضامین سازمان دهنده شکل بگیرند. سپس مضامین سازمان دهنده ذیل سه مضمون فراگیر اصلی (محوری، وابسته، گسسته) سازمان‌دهی نهایی شدند تا شبکه مضامین کامل شود. در مرحله چهارم صحت و انسجام مضامین استخراج شده در دو سطح مورد بازبینی قرار گرفت: الف) بازبینی در رابطه با کل داده‌ها: بررسی شد که آیا مضامین به دست آمده با کل مجموعه ۵۱۷ نظر همخوانی دارد یا خیر. ب) بازبینی درونی: بررسی شد که آیا مضامین پایه به درستی زیرمجموعه مضامین سازمان دهنده و فراگیر قرار گرفته‌اند و آیا مرز بین مضامین مختلف واضح است و در مرحله پنجم برای هر یک از مضامین فراگیر، سازمان دهنده و پایه، تعریف واضح و دقیقی نوشته شد تا ماهیت و دامنه هر مضمون به‌طور شفاف مشخص شود. در آخرین مرحله، یافته‌ها در قالب یک گزارش ارائه شد. برای اثبات ادعاها و ایجاد شفافیت، از تلفیق داده‌ها (استفاده از داده‌های وبسایت‌ها) و نقل قول‌های مستقیم از کاربران (ستون نمونه‌ای از نظرات کاربران در جدول ۲) استفاده شد. در نهایت، این یافته‌ها در چارچوب نظری پژوهش (مثل نظریه فضاهای سه‌گانه لوفور) مورد تحلیل و تفسیر قرار گرفت.

۳- سؤالات پژوهش

- ۱- گفتمان غالب کاربران فضای مجازی درباره کارکرد مسجد جامع شهرک قدس چیست و این بازنمایی چه نسبتی با هویت اصلی یک مسجد دارد؟
- ۲- مضامین اصلی موجود در نظرات کاربران درباره این مسجد چیست؟
- ۳- آیا می‌توان بین ویژگی‌های بافت شهری شهرک غرب (ثروتمندنشین، مدرن) و نوع بازنمایی از مسجد، رابطه معناداری یافت؟
- ۴- توقعات و انتظارات کاربران از کارکرد ایده‌آل یک مسجد در چنین بافتی چیست؟

۴- مبانی نظری

لوفور بر این باور است که فضا علاوه بر جنبه انضمامی و مادی، دارای ماهیتی ایدئولوژیک، زیسته و ذهنی است که توسط روابط پیچیده کنش‌های اجتماعی تولید می‌شود؛ بنابراین، در فرآیند تولید فضا، افزون بر معماران، میدان‌های نیروی متعدد، متقابل و اثرگذاری نقش دارند (Till, 2009).

در همین راستا تافوری، معماری را یک کنش اجتماعی می‌نامد (Stanek, 2011: 165)، زیرا با تأثیر مستقیم خود می‌تواند موجب تغییرات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی شود. بر این اساس، طراحی فضا ترکیبی از نیروهای ایدئولوژیک، سیاسی و اقتصادی (قلمرو قدرت) تلقی می‌شود که از طریق آن می‌توان به درکی از ایدئولوژی دست یافت (De Wilde & Soaita, 2019). لوفور شهرهای صنعتی مبتنی بر توسعه سرمایه‌داری را عاملی برای جایگزینی ارزش بهره‌وری (فضای نمادین و اجتماعی) با ارزش مبادله‌ای (فضای قابل معامله) می‌داند (Purcell, 2013). وی همچنین معتقد است کنترل‌کنندگان چگونگی بازنمایی فضا، در واقع کنترل تولید، سازماندهی و مصرف فضا را نیز در دست دارند. این پژوهش با بهره‌مندی از نظریه‌های «تولید فضا»ی هانری لوفور، «سکولار شدن» و «بازنمایی»، چارچوبی برای تحلیل این پدیده مورد نظر ارائه می‌دهد. در تداوم نظریه لوفور، می‌توان فضا را در سطح کلان‌تر به مثابه «واحد بنیادی تمدن» تفسیر کرد؛ زیرا هر تمدن، نظامی از فضاها را تولید می‌کند که در آن رابطه انسان، معنا و ماده سازمان می‌یابد. از این منظر، مسجد در تمدن اسلامی نمونه‌ای از فضاها «توحیدی» است که معنا، اجتماع و مناسک را در یک کل منسجم ترکیب می‌کند.

۱. تولید فضای اجتماعی: کریستوفر الکساندر معتقد بود هر مسئله‌ی طراحی با تلاش برای ایجاد سازگاری میان دو موجودیت آغاز می‌شود: «فرم» و «زمینه»ی آن. فرم بخشی از جهان است که انسان قصد شکل دادن به آن را دارد و زمینه بخش دیگری است که الزامات خود را بر فرم تحمیل می‌کند (Alexander, 1964: 26-28). در طراحی، زبانی که میان طراح و کاربر ارتباط برقرار می‌کند، محتوای معنادار محصول را به هویتی خاص که توسط مخاطب درک می‌شود، تبدیل می‌کند. این هویت در قالب عوامل فرمی، فنی، اجتماعی و اقتصادی، توسط طراحان تعریف شده و شاکله هویتی طرح را برای استفاده فراهم می‌آورد (Amoueian & Mahmoudi, 2019). نظریه هانری لوفور، با ارائه نظریه «تولید فضا» استدلال می‌کند که فضا یک ظرف خنثی نیست، بلکه محصولی اجتماعی است که در بستر روابط قدرت، ایدئولوژی و کنش‌های روزمره «تولید» می‌شود. از منظر وی، تولید فضا را می‌توان به لحاظ دیالکتیکی به سه بُعد یا فرآیند تقسیم نمود (Lefebvre, 1991: 66-76):

۱. فضای بازنمایی (ذهنی یا ایدئولوژیک) که قلمرو رشته‌های فکری (فضای معماران و برنامه‌ریزان) محسوب می‌شود؛ این فضا، انتزاعی، مفهومی و تجلی گفتمان مسلط است. در این

پژوهش، طرح اولیه مهندسان آمریکایی برای شهرک غرب با هدف ایجاد یک «شهر مدرن با استانداردهای غربی» و سپس طراحی مدرن مسجد جامع، نمونه‌ای بارز از «فضای ایدئولوژیک» است. در این نگاه، مسجد به‌عنوان بخشی از یک کلان پروژه مدرنیستی، با کارکردهایی مشخص (از جمله سالن اجتماعات و بانک) طراحی شده است. «فضاهای بازنمایی»، فضا را به مثابه پدیده‌ای در نظر می‌گیرد که در طول زمان و از طریق کنش‌های انسانی مستمر، تولید و دگرگون می‌شود. این فضا، سرشار از نمادها و معانی است، عرصه دانش غیررسمی است و به سان واقعیتهای هم‌تصوری و هم‌عینی تجلی می‌یابد (Lefebvre, 1991: 42-43)؛ ۲. کنش‌های فضایی (فیزیکی یا طبیعی) که عرصه زندگی روزمره «زیسته» مردم است. عواملی همچون تمرکز کاربران بر مراسم ویژه، مشکلات فضا مثل عدم پارکینگ مناسب و حضور قشر مرفه می‌تواند از این قبیل باشد؛ ۳. فضای بازنمودی (اجتماعی) که به فضا به‌مثابه فضای زیسته و نمادین توسط ساکنان و کاربران می‌پردازد. این فضا، مملو از نمادها، تصاویر، خاطرات و احساسات شخصی است و اغلب از طریق زبان و هنر بیان می‌شود. نظرات کاربران در فضای مجازی که مسجد را «سالن ختم مجلل»، «مکان ریاکاری» یا «فضای آرامش‌بخش» توصیف می‌کنند، در حقیقت در حال ساختن «فضای بازنمودی» این مکان هستند. این فضا در تقابل یا تعامل با «فضای بازنمایی» رسمی قرار می‌گیرد. لوفور دیالکتیک این فضا را چنین تشریح می‌کند: «تز» به‌مثابه فضایی مادی (تعریف شده، تحلیل شده و قابل اندازه‌گیری)، «آنتی‌تز» به‌منزله فرآیند تعامل روابط اجتماعی میان افراد و بین افراد با اشیاء در فضا و «سنتز» که همان فضای تولیدشده سرمایه‌داری است (Lefebvre, 1991: 73).

۲. دین و سکولاریسم در عرصه عمومی: مدرنیته به‌گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر به تقلیل دین می‌انجامد این تقلیل لزوماً هم در سطح جامعه و هم در حوزه اندیشه نظری افراد رخ می‌نماید (Berger, 2001: 18). برگر در مقابل رویکرد کارکردی دین که به جایگاه دین در نظام اجتماعی یا روان‌شناختی می‌پردازد (Berger, 1974: 126)، مطالعات دین را به سمت تعاریف ذاتی دین و فهم این پدیده «از درون» می‌برد (Yousefzadeh, 2009: 89). به عقیده وی، سکولاریسم در نظام مدرنیته از طریق طرد پدیده‌های دینی که واپس‌گرا، خرافاتی یا ارتجاعی نامیده می‌شود (Berger, 2001: 18)، فرآیندی تشکیل می‌دهد که در آن نهادها و فرهنگ تحت سیطره تفسیرهای دینی، از حوزه نفوذ دین خارج می‌شوند. در نتیجه، با وجود حفظ نام و نمادهای ظاهری مسجد (گنبد، مناره)، کارکرد اصلی و

معنوی آن (عبادت جمعی بی‌قید و شرط) به حاشیه رانده شده و کارکردهای دنیوی و اقتصادی (برگزاری مراسم تشریفاتی، درآمدزایی، نمایش منزلت اجتماعی) به کارکرد غالب تبدیل می‌شود. ۳. نظریه بازنمایی (استوارت هال): این نظریه فرهنگ را سازه‌ای اساسی در جهان مدرن می‌داند که مجموعه‌ای از مفاهیم، معانی و تصاویر مشترک در یک جامعه است و آن را «نقشه‌های ذهنی مشترک» تعریف می‌کند (Hall, 1990: 37). وی استدلال می‌کند که «تمامی هنجارهای اجتماعی در قلمرو معنا قرار دارند؛ برای تحقق یک هنجار اجتماعی، انسان‌ها باید به آن معنا بپخشند، به شیوه‌ای معنادار درباره آن بیندیشند و بتوانند تفسیری از آن ارائه دهند» (Hall, 1992: 13)، بنابراین، هال بر اهمیت محوری «معنا» تأکید کرده و چنین استدلال می‌کند که فرهنگ، نه مجموعه‌ای از اشیاء، بلکه فرآیندی از کنش‌هاست که با تولید و مبادله معانی در میان اعضای جامعه جریان دارد (Hall, 1991: 17-18). او بازنمایی را در پیوندی ناگسستنی با هویت (Tajik, 2005: 208)، همراه با تولید، مصرف و مقررات، به‌عنوان اجزای تشکیل‌دهنده «چرخه‌ی فرهنگ» برمی‌شمارد. در واقع «بازنمایی، مفهوم، معنا و زبان را به فرهنگ مرتبط می‌سازد» (Hall, 1997: 15)، سپس ضمن بسط و تشریح ابعاد گوناگون، آن را در سه دسته کلی جای می‌دهد. الف) رویکرد بازتابی: در این دیدگاه، زبان همچون آینه‌ای عمل می‌کند که معنایی دقیق و منطبق با واقعیت جهان بیرون را بازتاب می‌دهد. ب) رویکرد تعمیدی (ارجاعی): این رویکرد معتقد است واژگان، حامل معنای مورد نظر مؤلف هستند. این نگرش، زبان را که ماهیتی اجتماعی دارد، به یک بازی خصوصی تقلیل می‌دهد. ج) رویکرد برساختی: این دیدگاه با ویژگی‌های اجتماعی و عمومی زبان همخوانی دارد. بر این اساس، اشیاء فاقد معنای ذاتی و خودبسنده هستند، بلکه این ما هستیم که معانی را می‌سازیم و این کار را از طریق نظام‌های بازنمایی، مفاهیم و نمادها محقق می‌کنیم (Panahi & Mohammadzadeh, 2017: 7). چنانکه داده‌ها یادآور می‌شوند، یافته‌های تحقیق، «واقعیت عینی» مسجد نیست، بلکه «واقعیت گفتمانی» ساخته‌شده در فضای مجازی است. این بازنمایی‌ها خود بخشی از یک گفتمان گسترده‌تر در جامعه ایران هستند که ممکن است حول محور مفاهیمی مانند «عدالت»، «نفاق اجتماعی» و «تجمل‌گرایی نخبگان» شکل گرفته باشد. همچنین، مقایسه بازنمایی رسمی مسجد در وب‌سایتش (تأکید بر عناصر دینی) با بازنمایی مردمی در نظرات گوگل (تأکید بر مراسم ختم)، خود شکاف معناداری را نشان می‌دهد.

این پژوهش با تلفیق سه چارچوب فوق، مدل تحلیلی زیر را پیشنهاد می‌دهد: فضای بازنمایی (طراحی رسمی) یک مسجد مدرن و چندکارکرده، در بافت یک شهرک ثروتمندنشین و مدرن (بستر اجتماعی-اقتصادی)، زمینه را برای غلبه یافتن کنش‌های فضایی خاصی (مانند مراسم ختم تجملاتی) فراهم کرده است. این کنش‌ها، در تعامل با گفتمان‌های عمومی جامعه، منجر به شکل‌گیری یک فضای بازنمودی خاص در میان کاربران شده است که مسجد را نه یک نهاد معنوی، بلکه به عنوان نماد سکولار شدن کارکردی و شکاف طبقاتی بازنمایی می‌کند. این چارچوب یک لنز تحلیلی قدرتمند فراهم می‌آورد تا پرسش اصلی پژوهش مبنی بر «رویکرد کاربران فضای مجازی و توقع آنان از کارکرد مسجد» را نه در سطح توصیف نظرات، بلکه در عمق تضادهای اجتماعی، اقتصادی و گفتمانی شکل‌دهنده شهر تهران معاصر تحلیل کند.

۵- یافته‌های پژوهش

الگوریتم گوگل، در مرحله اول، این بنا را با نام سابق آن، یعنی «مسجد جامع شهرک غرب» بازایی می‌کند و در مراتب بعدی، نام‌های «مسجد جامع شهر قدس» و در نهایت «مسجد جامع شهرک قدس» نمایش می‌دهد؛ که نشان از فضای مدرنیته و تفکر اجتماعی حاکم بر گفتمان کاربران و ساکنان دارد. نتایج صفحه اول گوگل، سلسله‌مراتبی از اطلاعات را به شرح زیر ارائه می‌دهد: ۱. وب‌سایت رسمی مسجد؛ ۲. پلتفرم‌های ثانویه (نظیر وب‌سایت‌های دوم و سوم) به ارائه اطلاعات پایه‌ای همچون موقعیت مکانی، آدرس، تلفن و ساعات کاری می‌پردازند؛ ۳. سایت «ای مسجد» با کارکردی خدماتی، امکان رزرو و اطلاع از ظرفیت و امکانات مسجد را عمدتاً با تأکید صریح بر برگزاری مراسم ترحیم فراهم می‌کند؛ ۴. پایگاه «محلۀ ما»، مسجد را به عنوان «بزرگ‌ترین مسجد تهران برای برگزاری مراسم ختم» معرفی می‌نماید؛ ۵. سایت «هما ورکشاپ» نیز با درج اطلاعات تماس جهت برگزاری مراسم ختم، از توصیفاتی همچون «روبروی برج میلاد»، «معماری زیبا، با شکوه و اسلامی» برای جذب مخاطب بهره برده است؛ ۶. صفحه اینستاگرام «مسجد جامع ۱۱۰» به انتشار اخبار، اطلاعیه‌ها و کارکردهای مسجد اشاره دارد؛ و ۷. زیرشاخه‌های وب‌سایت اصلی، شامل بخش‌های «ارتباطات مردمی» و «سالن ختم»، شماره‌های تماس امام جماعت، هیئت امانا و مدیریت سالن ختم و نیز خدمات مرتبط با تزئینات مراسم (مانند حجله‌آرایی) را ارائه می‌کنند. در انتهای

صفحه اول، کلیدواژه‌های جستجوی پیشنهادی گوگل عمدتاً حول محور «هزینه‌های مراسم ختم»، «تصاویر مسجد»، «تلفن»، «مراسم ختم روزانه»، «تاج گل» و «لایو مسجد» متمرکز شده‌اند. مقایسه‌ی این یافته‌ها با نتایج حاصل از تحلیل مضمون نظرات کاربران (نگاشت شده در جدول ۲)، از تطابق کامل بین بازنمایی الگوریتمی و ادراک عمومی حکایت دارد. این هم‌پوشانی نشان می‌دهد که فضای مجازی، اعم از پلتفرم‌های رسمی و غیررسمی، به‌صورت نظام‌مند، کارکرد محوری و معنوی مسجد (عبادت و معنویت) را به یک کارکرد گسسته و غالب، یعنی برگزاری مراسم ترحیم تبدیل کرده است. این پدیده، گویای نوعی جابجایی هویتی در بازنمایی این مکان مذهبی در عصر دیجیتال است.

جدول-۲. تحلیل مضامین نظرات کاربران نسبت مسجد جامع شهرک قدس

کدها	نمونه‌ای از نظرات کاربران (داده‌های خام)	مضمون پایه (کدهای اولیه)	سازمان دهنده	فراگیر نهایی
۹	حس و حال خوبی این مسجد دارد. دنج و آرامش بخشه. / پشت مسجد چند تا شهید گمنام دفن شدند. / زیباست حس معنوی بالایی دارد/ نمازگزاران زیادی هم برای اقامه نمازهای یومیه به این مسجد می‌آیند.	فضای آرامش‌بخش، طراحی اسلامی زیبا، حضور پرشور نمازگزاران، وجود شهدای گمنام، حس معنوی مثبت	معنویت و آرامش	محوری (کارکردهای اصلی و معنوی)
۷	مسجد خانه خداست برای عبادت به شرطی که مسئول مسجد در را نبندد! / خیلی جالبه مسجدی به شدت مجلل و بزرگ که جایی برای نماز خواندن نداره! / شیک و باکلاس ولی حس معنوی کمی داره.	بسته بودن مسجد، عدم دسترسی برای نماز، فقدان فضای عبادت، حس معنوی کم	انتقاد از ضعف کارکرد اصلی	
۲	مسجد زیاد دارم، اما مکان آموزش نداریم. / جوانگرا و به روز نیست و مسجد هیچ برنامه‌ای برای جذب جوانان و نوجوانان ندارد.	نداشتن برنامه برای جوانان، نبود مکان آموزش، عدم روزآمدی	نیازکارکردهای فرهنگی-آموزشی	

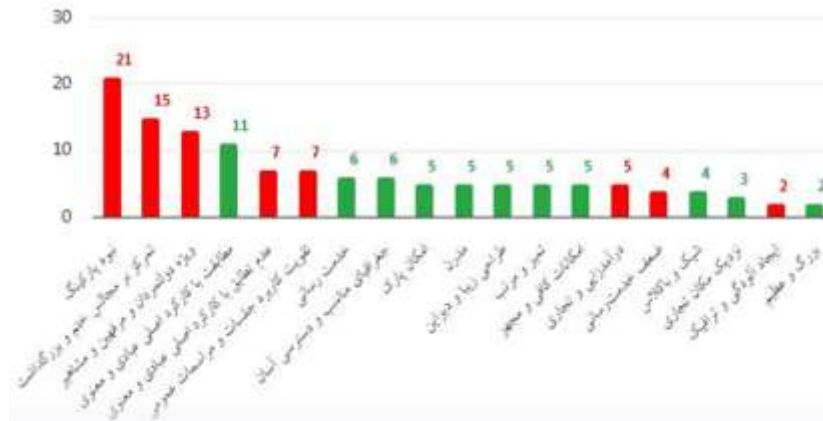
وابسته (کارکردهای جنبی مثبت و خنثی)	مدیریت و خدمات	نظم و ترتیب، تمیزی، رفتار مودبانه پرسنل، خدمات‌رسانی دقیق، مدیریت خوب	کلیه امورات مسجد با نظم و ترتیب خاصی انجام می‌شود. / سالن بسیار تمیز و مرتب، پرسنل خوش برخورد. / بسیار کارها دقیق و عالی است.	۱۶
	امکانات رفاهی و کالبدی	امکانات عالی و مجهز، سالن‌های مدرن، سرویس بهداشتی مطلوب، معماری زیبا، بزرگ و مفصل بودن	مسجدی مجهز به سالن اجتماعات مدرن و امکانات عالی. / وضعیت سرویس بهداشتی آن کاملاً مطلوب است. / معماری بسیار زیبا و مدرنی دارد. / بسیار بزرگ و مفصل.	۲۵
	مناسب برای مراسم عمومی	مکان مناسب برای مجالس، آبرومند بودن، مناسب برای مهمانان زیاد، قابلیت استفاده برای همه فعالیت‌ها	محیطی تمیز و آرام برای برگزاری مراسم. / برای مجالس با مهمان زیاد مناسب و آبرومند. / مسجدی برای همه فعالیت‌ها.	۸
گسسته (کارکردهای نامرتبط یا منفی)	ویژگی‌های تجملی و انتقاد از هزینه‌ها	شیک و لاکچری بودن، هزینه‌های بسیار بالا، درآمدزایی، تمرکز بر پول	یکی از شیک‌ترین مساجد تهران. / چرا انقدر گرون می‌گیرن؟ همه ی این مساجد با پول بیت المال! / فقط پول رو میشناسن؛ برای پخش یک پک میوه ۵ میلیون گرفتن!	۱۴
	کارکرد نمایشی - طبقاتی	اختصاص به قشر مرفه و مشهور، مراسم مشاهیر و مسئولین، تظاهر و ریاکاری، فخر فروشی، دوری از مردم عادی	بیشتر مراسم‌های ختم بازیگران و برخی از مسئولین اونجا برگزار می‌شود. / جایی برای افراد عادی و سطح پایین نیست. / مراسم ختم... بیشتر به محل فخر فروشی و خودنمایی شبیه است. / حس ریاکاری و قیافه گرفتن دارد.	۱۶
	تبدیل هویت به سالن ترحیم	تمرکز بر مراسم ختم، مسجد مردگان، بی‌کاربرد جز عزا، سالن همایش بودن	ازون مسجدهایی که هیچ کاربردی ندارد جز عزا! / مسجد مردگان. / اینجا بیشتر سالن همایشه تا مسجد. / یکی از مسجدهایی که بیشتر برای مراسم ختم راه‌اندازی شده تا ...	۱۲
	مشکل زیرساخت شهری (پارکینگ)	معضل پارکینگ، ایجاد ترافیک و آلودگی صوتی، دشواری دسترسی با خودروی شخصی	به شدت مشکل جای پارک هست. / برای پیدا کردن جای پارک خودرو حتماً عذاب خواهید کشید. / افتضاح	۲۳

	به تمام معنی، تولید کننده آلودگی صوتی و ترافیک.			
۱۰	دسترسی خوبی دارد. / خیلی سریع و راحت به مقصد رسیدم. / از لحاظ پارکینگ تو خیابون سیف جا پارک زیاد دارد. / نزدیک مرکز خرید میلاد نور است.	دسترسی خوب، نزدیکی به مراکز تجاری، راحت بودن مسیر، امکان پیدا کردن جای پارک (در برخی زمان‌ها)	دسترسی و موقعیت مکانی (جنبه مثبت)	

بر اساس داده‌های کمی ارائه‌شده در نمودار ۳ که میزان دغدغه‌های کاربران را بر اساس کثرت نظرات مورد سنجش قرار داده است، می‌توان اولویت‌های اصلی ادراک و انتقادهای مخاطبان را به ترتیب زیر دسته‌بندی نمود:

اولویت اول: معضل جانمایی و دسترسی (چالش پارکینگ)، عمده‌ترین نگرانی کاربران است. اولویت دوم: انتقاد از غالب شدن کارکرد ترحیم بر دیگر فعالیت‌های مسجد است. اولویت سوم: انتقاد از احساس انحصاری شدن فضا برای قشر خاص؛ از جمله مرفهین، مشاهیر و رجال سیاسی است که دسترسی عموم مردم را هم برای انجام عبادات اصلی و هم برای مشارکت در برنامه‌های جنبی، با دشواری مواجه کرده است. اولویت چهارم: تقابل دیدگاه‌ها درباره حس معنوی مکان، عده‌ای فضا را معنوی و منطبق بر کارکردهای اصیل یک مسجد ارزیابی می‌کنند. گروهی دیگر، آن را دور از وظایف و کارکردهای اصلی مسجد می‌دانند. اولویت پنجم: نقاط قوت کالبدی و خدماتی (بازخوردهای مثبت). نظرات مثبت که در فراوانی‌هایی تقریباً همسان ظاهر شده‌اند، به موارد زیر اشاره دارند: خدمات‌رسانی مطلوب، موقعیت مکانی مناسب با دسترسی آسان، وجود محل مناسب برای پارک (در تضاد با گزاره اول)، فضایی مدرن با طراحی زیبا، تمیز و مجهز و توصیفاتی چون «شیک و باکلاس»، «نزدیک به مراکز تجاری» و «با عظمت و بزرگ». اولویت ششم: انتقادات فرعی و در نهایت، انتقادات دیگری با فراوانی کمتر مطرح شده‌اند: انتقاد اقتصادی: گلابه از هزینه‌های بالا و رویکرد درآمدزایی محض مسجد؛ انتقاد عملکردی: ضعف در خدمات‌رسانی؛ انتقاد زیست محیطی: ایجاد آلودگی صوتی و ترافیک ناشی از فعالیت‌های مسجد.

نمودار-۳. رتبه میزان فراوانی دغدغه کاربران نسبت به مقوله‌های اصلی



جمع‌بندی نظر کاربران گویای آن است که در این فضا کاربرد اصلی مسجد که عبادت و نیایش جمعی بدون تبعیض برای عموم افراد است، به کاربردهای جنبی و فرعی خصوصاً مراسم ختم مشاهیر و چهره‌های هنری، سیاسی و قشر مرفه و دولتمردان تقلیل یافته است. هزینه‌های بالای برگزاری مراسم در فضایی مدرن، تطابق با فضای شهری و محیط منطقه شهرک غرب دارد، از این رو هیچ انتقادی به تغییر کالبد رسمی مساجد در گنبد و مناره نیست، بلکه مورد تمجید نیز قرار گرفته است. تصاویر موجود در صفحه اول گوگل از سالی بزرگ که با صندلی چیدمان شده و لوسترهای خاص تغییر کارکرد را بیشتر نمایان می‌کند. در این تصاویر هیچ صحنه‌ای از نماز یا سخنرانی دیده نمی‌شود. پس در صفحه گوگل و مطالب ظاهر این صفحه به همراه نظر کاربران، کاربری اصلی مسجد به حاشیه رفته است و در اصل به سالی مجلل و گران قیمت برای بزرگداشت و مراسم ختم قشری خاص جامعه تبدیل شده است که اگر مشکل پارکینگ خودروها به نحوی حل شود مکانی بی‌نقص برای این منظور خواهد بود.

جمع‌بندی متن یافته‌های این پژوهش، تصویر پیچیده‌ای از مسجد جامع شهرک قدس به عنوان یک «عرصه» از تقابل گفتمان‌ها و کنش‌های اجتماعی ترسیم می‌کند. این تقابل را می‌توان به منزله «تجلی تنش تمدنی» میان دو الگوی تمدن دانست: تمدن اسلامی مبتنی بر معنا و مشارکت و تمدن مدرن مبتنی بر مصرف و نمایش که یافته‌های موجود را در پرتو چارچوب نظری پژوهش، چنین می‌توان تحلیل و تفسیر کرد:

۱- تقابل فضاهای سه گانه لوفور: از مسجد طراحی شده تا مسجد زیسته

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که آنچه کاربران تجربه و بازنمایی می‌کنند، با «فضای بازنمایی» اولیه این مکان در تضاد قرار دارد. الف) فضای بازنمایی (طراحی رسمی): طراحی مسجد با امکاناتی مانند سالن اجتماعات مجهز، رستوران و بانک، در چارچوب یک «فضای بازنمایی» مدرنیستی صورت گرفت که هدف آن ایجاد یک مرکز چندکار کرده دینی-اجتماعی هماهنگ با بافت مدرن شهرک غرب بود. در این نگاه، این امکانات مکمل کارکرد عبادی مسجد تلقی می‌شدند. ب) کنش فضایی مسلط (عملکرد غالب): یافته‌ها نشان می‌دهد که «کنش فضایی» غالب در این مکان، نه عبادت جمعی فراگیر، بلکه «برگزاری مراسم ختم تجمعاتی برای سیاسیون، قشر مرفه و مشهور» است. این کنش که با دغدغه‌های اصلی معضل پارکینگ و ایجاد ترافیک همراه است، عملاً بر سازمان فضایی مسجد سیطره یافته است. این امر را می‌توان نتیجه تقاطع دو عامل دانست: اول، وجود تقاضا از سوی یک جامعه محلی ثروتمند که به دنبال فضاهایی برای نمایش منزلت اجتماعی (Bourdieu, 1984). حتی در مراسم سوگ هستند. دیگری وجود امکانات فیزیکی (سالن مجهز) که پاسخگویی به این تقاضا را ممکن ساخته است. ج) فضای بازنمودی (ادراک کاربران): در نتیجه این کنش فضایی مسلط، «فضای بازنمودی» یا ادراک عمومی از مسجد شکل گرفته است. کاربران در فضای مجازی، این مکان را عمدتاً به عنوان «مسجد مردگان»، «سالن همایش» و نماد «تزویر و ریاکاری» بازنمایی می‌کنند. این بازنمودی، یک مقاومت گفتمانی در برابر تبدیل فضای مقدس به عرصه‌ای برای نمایش قدرت اقتصادی است. نکته جالب توجه اینجاست که حتی کاربرانی که به «زیبایی»، «نظم» و «تمیزی» مسجد اشاره می‌کنند، این ویژگی‌ها را در ارتباط با کارکرد مراسم ختم می‌ستایند، نه فضای عبادی. این امر نشان می‌دهد که چگونه «فضای بازنمودی» حتی ویژگی‌های مثبت کالبدی را نیز در خدمت تأیید گفتمان مسلط (تجلی تجمل) تفسیر می‌کند.

۲- مسجد به مثابه نماد سکولار شدن کارکردی و شکاف طبقاتی

بارزترین مضمون استخراج شده، تبدیل کارکرد مسجد از یک نهاد معنوی به یک نهاد عرفی است. این پدیده را می‌توان با مفهوم «سکولار شدن کارکردی» تحلیل کرد. داده‌ها به وضوح نشان می‌دهند که کارکردهای جنبی و گسسته (مراسم ختم) جایگزین جایگاه محوری کارکردهای عبادی شده است. از منظر نظریه سکولار شدن، زمانی که نهادهای دینی کارکردهای دنیوی را بر

کارکردهای اخروی و معنوی مرجع می‌دانند، شاهد عرفی شدن آن نهاد هستیم (Cassuara, 2009). تمرکز کاربران بر «هزینه‌های بالا» و «درآمدزایی» مسجد، فرآیند عرفی شدن را ملموس می‌کند. شکاف طبقاتی حاصل از سکولاریزاسیون، بازنمایی مسجد به عنوان مکانی «مختص سیاسیون، مشاهیر و ثروتمندان» و «دور از دسترس مردم عادی»، آن را به نمادی از تشدید مرزهای اجتماعی (Van Leeuwen, 2008) تبدیل کرده است. مسجد که در سنت اسلامی نماد برابری مؤمنان در پیشگاه خداوند است، در این بازنمایی به محلی برای تأکید بر نابرابری‌های اجتماعی بدل شده است. انتقاد تند کاربران از «تظاهر» و «فخرفروشی»، واکنشی به همین قلب معنایی است.

۳- تحلیل گفتمان بازنمایی: طنین‌انداز یک گفتمان کلان‌تر اجتماعی

نظرات کاربران در گوگل را نمی‌توان صرفاً بازتاب تجربیات فردی دانست؛ بلکه این نظرات، بازنمایی‌هایی هستند که در بستر یک گفتمان گسترده‌تر اجتماعی درباره «عدالت»، «نفاق اجتماعی» و «سبک زندگی نخبگان» در ایران معاصر تولید می‌شوند که تبعات زیر را به دنبال دارد: الف) شکاف بین بازنمایی رسمی و مردمی: با توجه به اینکه شکل‌گیری اجتماعی برخی از توده‌های تاریخی خاص در میان گروه‌ها و طبقات متنوع انجام شده است، در گذر زمان انعطاف پذیرتر شده و دارای وابستگی مضاعفی به تلفیق اختیاری این طبقات تابع و فرعی می‌باشد؛ بنابراین همگنی و یکنواختی هرگز دائمی و مطلق نبوده و همواره در شرایط بحرانی می‌باشد (Hall, 1986). در حالی که وب‌سایت رسمی مسجد بر عناصری مانند نماز جماعت، سخنرانی مذهبی و بخش مشرف شدن به اسلام تأکید دارد (بازنمایی رسمی از هویت دینی)، گفتمان مسلط در نظرات کاربران، کاملاً بر محور مراسم ختم و ویژگی‌های تجمعاتی آن دلالت دارد (بازنمایی مردمی از هویت طبقاتی). این شکاف، نشان می‌دهد چگونه یک مکان می‌تواند هم‌زمان حامل معانی متضاد باشد. ب) نقش فضای مجازی: هال ملهم از گرامشی معتقد است، ایدئولوژی به صورت ایده‌هایی که افراد از آن برای درک سازوکار جهان اجتماعی، جایگاه خود در آن و وظیفه‌هایی که بر عهده دارند تعریف می‌شود و این تعریف هرگز بر اساس طبقه اجتماعی تعریف نمی‌شود، بلکه در بطن تشکیلات اجتماعی تاریخی نهفته است (Hall, 1985: 99). فضای مجازی با فراهم آوردن امکان بیان بی‌واسطه، به بستری برای بروز این تقابل گفتمانی تبدیل شده است. آنچه در فضای فیزیکی ممکن است به صورت سکوت یا نارضایتی غیرمستقیم بروز کند، در فضای مجازی به صورت صریح و در قالب مضامین منسجمی

مانند «تجملی»، «نمایشی» و «گسسته» بازنمایی می‌شود. آنچه در سطح محلی مسجد شهرک قدس مشاهده می‌شود، درواقع برشی از یک تحول تمدنی گسترده‌تر است که طی آن، فضاهای قدسی تمدن اسلامی در تماس با منطق سرمایه‌داری مدرن، به فضاهای مصرفی و نمایشی بدل می‌شوند. این مکان با معماری مدرن و امکانات گسترده‌ای که قرار بود آن را به مسجدی پیشرو و جذاب برای جامعه مدرن تبدیل کند، در تقاطع با بافت ثروتمند نشین و منطق سرمایه‌دارانه، به عاملی برای تغییر هویت کارکردی آن بدل شده است. تحلیل حاضر نشان می‌دهد که این مسجد نه یک شیء ثابت، بلکه عرصه‌ای پویا از کشمکش بر سر تولید معنا است؛ کشمکشی بین بازنمایی رسمی یک مرکز دینی-اجتماعی و بازمودی مردمی از یک نماد شکاف طبقاتی و سکولار شده. بنابراین، انتقادات کاربران را باید نه صرفاً به‌عنوان نظرهایی پراکنده، بلکه به‌عنوان واکنشی گفتمانی به تصاحب یک فضای عمومی-مقدس توسط منطق خاصی از قدرت و ثروت تفسیر کرد.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف واکاوی گفتمان کاربران فضای مجازی درباره مسجد جامع شهرک قدس و تبیین ریشه‌های این بازنمایی صورت گرفت. یافته‌ها به‌وضوح نشان داد که تصویر ساخته شده از این مسجد در فضای مجازی، تصویری یکپارچه و سنتی از یک عبادتگاه نیست، بلکه تصویری قطبی و عمدتاً معطوف به کارکردهای ثانویه و حتی «گسسته» از هویت اصلی یک مسجد است. بازخوانی تجربه مسجد مذکور نشان می‌دهد که تمدن اسلامی در مواجهه با شهر مدرن، نیازمند بازتعریف نسبت خود با فضا است. بازگشت به روح تمدنی مسجد، مستلزم احیای پیوند سه‌گانه‌ی «معنا، جامعه و مکان» در طراحی، مدیریت و گفتمان فضاهای دینی است. در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت که گفتمان مسلط در بین کاربران، مسجد را به‌مثابه نمادی از «سکولار شدن کارکردی» و «شکاف طبقاتی» بازنمایی می‌کند. این گفتمان، در سه مضمون فراگیر کارکرد «محوری»، «وابسته» و «گسسته» تجلی یافته است. در پاسخ به سؤالات فرعی نیز مشخص شد که بین ویژگی‌های بافت شهری شهرک غرب (ثروتمند نشین و مدرن) و این نوع بازنمایی، رابطه‌ای تنگاتنگ وجود دارد؛ به عبارت دیگر، بافت اجتماعی-اقتصادی مسلط بر منطقه، کنش‌های فضایی خاصی (مانند نیاز به برگزاری مراسم تشریفاتی) را دیکته کرده که در نهایت

هویت بازنمودی مسجد را تحت تأثیر قرار داده است. توقع کاربران از یک مسجد ایده‌آل در چنین بافتی، عمدتاً بازگشت به کارکردهای محوری و عبادی، به همراه ارائه خدمات جنبی به صورت عادلانه و فارغ از تبعیض‌های اقتصادی است. یافته‌های این تحقیق می‌تواند برای مدیران و متولیان امور مساجد و نهادهای مذهبی دارای پیامد باشد. توجه به «ادراک عمومی» و «بازنمایی‌های مردمی» از مساجد، به‌ویژه در بافت‌های خاص شهری، برای سیاست‌گذاری‌های آینده جهت حفظ هویت معنوی مساجد و جلوگیری از تبدیل شدن آن‌ها به نمادهای شکاف اجتماعی، حیاتی است.

Reference

- Alexander, C. (1964). *Notes on the Synthesis of Form*. Harvard University Press.
- Amouei, F., & Mahmoudi, F. (2019). The process of reification in product design in contemporary society with an approach to the culture industry theory (Case study: Mobile phone). *Journal of Fine Arts: Visual Arts*, 24(1), 121–134. [In Persian]
- Bagheri Taleghani, I. (2015). *Psychological applications in industrial design*. SAMT. (Original work published. [In Persian])
- Bani Masoud, A. (2009). *Contemporary architecture of Iran: In pursuit of tradition and modernity*. Honar-e Memari-ye Gharn. [In Persian]
- Berger, P. L. (1974). Some second thoughts on substantive versus functional definitions of religion. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 13(2), 125–133.
- Berger, P. L. (2001). The desecularization of the world: A global overview. In P. L. Berger (Ed.), *The decline of secularism* (A. Amiri, Trans., pp. 17–33). Pagan Publishing. (Original work published 1999. [In Persian])
- Bourdieu, P. (1984). *Distinction: A social critique of the judgement of taste*. Harvard University Press.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77–101.
- Cassuara, K. (2009). *Secularization and the world religions*. Liverpool University Press.
- Derakhshesh, J., Bagheri, A., & Rezaei, A. (2015). Content analysis of trust in the thought of Ayatollah Khamenei. *Contemporary Political Studies Quarterly*, 6(17), 53–72. [In Persian]
- Erlhoff, M., & Marshall, T. (Eds.). (2008). *Design Dictionary: Perspectives on Design Terminology*. Birkhäuser.
- Ghobadian, V. (2014). *Stylistics and theoretical foundations of contemporary Iranian architecture*. Elm-e Memar Publishing. [In Persian]
- Hall, S. (1985). Signification, representation, ideology: Althusser and the post-structuralist debates. *Critical Studies in Mass Communication*, 2(2), 91–114.
- Hall, S. (1986). Gramsci's relevance for the study of race and ethnicity. *Journal of Communication Inquiry*, 10(2), 5–27.
- Hall, S. (1990). Cultural Identity and Diaspora. In J. Rutherford (Ed.), *Identity: Community, Culture, Difference* (pp. 222–237). Lawrence & Wishart.
- Hall, S. (1991). Old and New Identities, Old and New Ethnicities. In A. D. King (Ed.), *Culture, Globalization and the World-System: Contemporary Conditions for the Representation of Identity* (pp. 41–68). Macmillan.
- Hall, S. (1992). *Formations of Modernity: An Introduction to Sociology*. Polity Press.
- Hall, S. (1997). *Representation: Cultural representations and signifying practices*. SAGE Publications.
- Hall, S. (1997). The Work of Representation. In S. Hall (Ed.), *Representation: Cultural Representations and Signifying Practices* (pp. 13–74). SAGE Publications.
- Heft, H. (2003). Affordances, dynamic experience, and the challenge of reification. *Ecological Psychology*, 15(2), 149–180. https://doi.org/10.1207/S15326969ECO1502_2
- Hickling, P., Moalosi, A., & Kumar, H. (2005). *International product design: Culture within design in Botswana*. [Conference paper]. International Congress, Yunlin, Taiwan. <https://eprints.qut.edu.au/2678/1/2678.pdf>
- Knudten, R. D. (1968). [Review of the book *The sacred canopy*, by P. L. Berger]. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 7(2), 292–294.
- Lefebvre, H. (1991). *The production of space* (D. Nicholson-Smith, Trans.). Wiley-Blackwell.

- Lefebvre, H. (2002). *Critique of everyday life: Vol. II* (J. Moore, Trans.). Verso. (Original work published 1961)
- Lefebvre, H. (2004). *Rhythmanalysis: Space, time and everyday life* (S. Elden & G. Moore, Trans.). Continuum.
- Mercer, D. (1971). The role of perception in the recreation experience: A review and discussion. *Journal of Leisure Research*, 3(4), 261–276. <https://doi.org/10.1080/00222216.1971.11970036>
- Panahi, A., & Mohammadzadeh, A. (2017). The representation of Iranian women in French travelogues from the early Qajar period to the Constitutional Revolution based on Stuart Hall's theory of representation. *Cultural History Studies: Journal of the Iranian History Association*, 7(27), 1–23. [In Persian]
- Purcell, M. (2013). Possible worlds: Henri Lefebvre and the right to the city. *Journal of Urban Affairs*, 36(1), 141–154. <https://doi.org/10.1111/juaf.12034>
- Rapoport, A. (1977). *Human aspects of urban form: Towards a man-environment approach to urban form and design*. Pergamon Press.
- Rapoport, A. (2011). *Culture, architecture, and design* (M. Barzegar & M. Yousefnia Pasha, Trans.). Shelfin. [In Persian]
- Rapoport, A. (2013). *The meaning of the built environment: A nonverbal communication approach* (F. Habib, Trans.). Tehran Municipality Information and Communication Technology Organization Press. [In Persian]
- Royse, D. C. (1969). *Social inferences via environmental cues* [Doctoral dissertation, Massachusetts Institute of Technology]. MIT Libraries.
- Sediq Sarvestani, R. (1996). The application of content analysis in the social sciences. *Nameh-ye Olum-e Ejtemaei (Journal of Social Sciences)*, 8(8). [In Persian]
- Sheikhzadeh, M., Faghihi, A., Taslimi, M., et al. (2011). Content analysis and content network: A simple and efficient method for explaining patterns in qualitative data. *Strategic Management Thought*, 5(2, Serial No. 10). [In Persian]
- Soaita, A. M., & Dewilde, C. (2019). A critical-realist view of housing quality within the post-communist EU states: Progressing towards a middle-range explanation. *Housing, Theory and Society*, 36(1), 44–75. <https://doi.org/10.1080/14036096.2017.1410425>
- Stanek, L. (2011). *Henri Lefebvre on space: Architecture, urban research, and the production of theory*. University of Minnesota Press.
- Tabatabai, S. M. H. (1973). *Al-Mizān fī tafsīr al-Qur'ān* (Vol. 20). Mu'assasat al-A'lamī lil-Maṭbū'āt. [In Persian]
- Tajik, M. R. (2005). The narrative of identity and otherness among Iranians. *Farhang-e Gofteman*. [In Persian]
- Thuswaldner, G. (2014). A conversation with Peter L. Berger: How my views have changed. *The Cresset*, LXXVII(3), 16–21.
- Till, J. (2009). *Architecture depends*. The MIT Press.
- van Leeuwen, T. (2008). *Discourse and practice: New tools for critical discourse analysis*. Oxford University Press.
- Werner, C. M., Altman, I., & Oxley, D. (1985). Temporal aspects of homes: A transactional perspective. In I. Altman & C. M. Werner (Eds.), *Home environments* (pp. 1–32).
- Yousefzadeh, H. (2009). An examination of the evolution of Peter Berger's views on religion and secularization. *Imam Khomeini Education and Research Institute*. [In Persian]

